بررسی‌های جام جم نشان می‌دهد کالاها و خدمات فرهنگی و هنری با افزایش قیمتی فراتر از منطق‌های تورمی بازار روبه‌رو شده‌اند

فرهنگ گران می‌شود

تقریبا همه کالاها و خدمات حوزه‌های فرهنگی و هنر به جز چند مورد اندک گران شده‌اند/ عکس: میزان

۱۰ و ۱۱

به مناسبت سالروز درگذشت حاج علی آهی، شاعر و ذاکر اهل بیت (ع) مختصری از زندگانی پربرکت او را بررسی کرده‌ایم

صادره از دهستان آه

امید رحمانی
جام جم

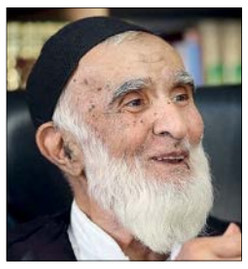

شش سال از درگذشت استاد حاج علی آهی، شاعر و ذاکر اهل بیت (ع) می‌گذرد و چندسالی می‌شود که جوانان مشتاق شعر و نوای آیینی، سایه راهنمایی‌ها و مشورت‌های این پیر موسپید آستان نوکری آل ا... را بر سر ندارند. او تا زمانی که در قید حیات بود، از هیچ کوششی برای هدایت نسلی که بسیار به آنها امیدوار بود، فروگذار نکرد. بسیاری از مادحین و شاعران برجسته حوزه شعر اهل بیت (ع) که امروز نام‌های آشنایی برای مردم شده‌اند، حاصل زحمات آهی و ممارست او در آموزش نوجوانان آن روزها و مادحین و شاعران سرشناس امروز است. آهی به گفته بسیاری از دوستان، نزدیکان و شاگردانش، در شعر آیینی و در ستایشگری اهل بیت (ع) بسیار سختگیر بود و اعتقاد داشت که بهترین هنرها را باید برای حضرات معصومین (ع) به کار گرفت. وقتی حرف شعر برای ائمه (ع) می‌شد، با کسی تعارف نداشت و به صریح‌ترین شکل ممکن نقدش را به شاعر جوانی که در نزد او شعر می‌خواند، می‌گفت. او از آخرین باقیمانده‌های نسل پیران موسپیدی بود که بر هنر آیینی غیرت داشتند و در هر حوزه‌ای چه شعر و چه مداحی، حداکثر توان خود را صرف می‌کردند تا بهترین آثار را برای اهل بیت (ع) خلق کنند. در این گزارش نگاهی به شخصیت و زندگی پربرکت این پیرغلام اهل بیت (ع) داشته‌ایم.

حاج علی آهی که بود؟

علی آهی فرزند حاج قربانعلی آهی دوشنبه ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۴۶ هجری قمری مطابق با ۱۴ آبان ماه ۱۳۰۷ هجری شمسی در تهران، بازارچه پامنار که یکی از محله‌های قدیم پایتخت به‌شمار می‌رود و مرکز مبارزه سیدالمجاهدین حضرت آیت‌ا... حاج سیدابوالقاسم کاشانی بود، در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. پدر او از اهالی دهستان «آه» بود. «آه» به مجموع شش پارچه آبادی گفته می‌شده که امروز مشهور به شهر آبعلی است و در ۶۰ کیلومتری شمال‌شرقی تهران، جاده تهران- آمل قرار دارد. علی آهی از ۱۰ سالگی به مداحی پرداخت و در کنار آن به تحصیل نیز اشتغال داشته است. از اساتیدش می‌توان فهمید که یک مداح عالم است، استادانی همچون حضرات آیات طالقانی، سید محمد هادی میلانی، سید محمدرضا گلپایگانی، میرزا جواد آقای تهرانی، مرحوم حاج شیخ محمدجواد خراسانی، حاج شیخ علی نمازی شاهرودی، حاج شیخ حسین وحید خراسانی، ناصر مکارم شیرازی، سیدرضی شیرازی و سید عبدالحسین دستغیب.

نقش‌آفرینی در انقلاب اسلامی

علی آهی از نوجوانی تحت تعلیم و ترتیب حضرت آیت‌ا... حاج سیدابوالقاسم کاشانی بود و به دستور ایشان علیه رژیم ستمشاهی مبارزات فراوانی داشت؛ همچنین عضو جمعیت فداییان اسلام به رهبری شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمجتبی نواب‌صفوی بود. استاد آهی نقش مهمی در شکل‌گیری نظام اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی داشت به‌گونه‌ای که دو فرزند او به نام‌های حسین ابن آهی و حسن آهی بازداشت و مورد ضرب و شتم نیروهای رژیم ستمشاهی قرار گرفتند. علی آهی پس از پیروزی انقلاب دوشادوش خدمتگزاران نظام در مسؤولیت‌های متعدد منشأ اثر بود که از جمله فعالیت‌هایش می‌توان به شرکت در جبهه‌های جنگ تحمیلی و شرکت در کمیته انقلاب اسلامی تا سطح فرماندهی استان اشاره کرد. از دیگر فعالیت‌های علی آهی مدیریت کاروان‌های حج بیت‌ا... الحرام بوده که وی در این راه حدود ۷۰ مرتبه به زیارت حج و بیت‌ا... الحرام و عمره مفرده توفیق پیدا کرد و سال‌های متمادی به زیارت عتبات مقدسه مشرف شده است. آهی پس از پیروزی انقلاب علاوه بر حضور در جبهه‌های حق علیه باطل، در کمیته انقلاب اسلامی تا سطح فرماندهی استان طبق موازین شرعی خدمات شایانی ارائه کرد.

علی آهی شاعر

شعر آهی چون مصداق کامل شعر آیینی به‌شمار می‌رود؛ روان، قابل‌فهم، ساده و صمیمی است؛ در حقیقت آهی کوشیده خود را از نازک‌اندیشی‌ها و خیالپردازی‌های نامتعادل برهاند چرا که می‌کوشد شعرش ترجمان آیات و احادیث و سیره نورانی آن بزرگواران باشد. شعر علی آهی از آرایه‌های لفظی و معنوی بسیاری برخوردار بود و او ظرایف صنایع ادبی را به تمامی در شعرهایش رعایت می‌کرد. این مسأله آشنایی، تسلط و مهارت بر علوم ادبی، شعری و بلاغی را می‌طلبد. علاوه بر این بهره‌مندی شعرهای آهی از مستندات تاریخی که مبتنی بر واقعیات و حقایق و بر عقاید و کلام است، از دیگر نقاط قوت اشعار آهی بود. به عبارت دیگر از نگاه او شعر آیینی باید دارای شاخصه‌هایی چون ولایی و اهل‌بیتی و قرآنی بودن، نزدیکی ادبیات شعر به ادبیات امامت و ولایت، اخلاق‌گرا و حماسی و سلحشورپرور باشد. دیوان آهی (دو جلد)، دیوان آئینه نور (دو جلد)، فرهنگ اصلاحات قافیه (یک جلد)، توصیف صنایع شعر کهن فارسی و پیرایش آن با کلک بدیع، فلسفه قیام امام حسین(ع) از دیدگاه عقل، شعر و شاعری از نظرگاه قرآن و عترت و سنت در هفت بخش، درس‌هایی از علم کلام «نگرشی تحلیلی درباره تصوف و تاثیرات آن در ادبیات آیینی» و «تنورالافکار؛ روشنی افکار جهت شعر و شاعری و مداحی اهل‌بیت(ع)» (یک جلد) و چند اثر دیگر ازجمله تألیفات این پیرغلام حسینی کشورمان است.

خدمات حاج علی آهی

آهی در طول تلاش‌های مذهبی و علمی خویش مؤسس محافل، مساجد و حسینیه‌های متعددی بوده که از آن جمله تشکیل بنیاد دعبل خزاعی، تأسیس چند باب کتابخانه و مسجد در تهران و آبعلی و تأسیس صندوق قرض‌الحسنه الغدیر آبعلی است. او در تهران و آبعلی چند مسجد و حسینیه تأسیس کرد. یکی از این مساجد، مسجد آهی واقع در سرآسیاب دولاب، خیابان کرمان است که توسط پدرش در سال ۱۳۲۶ تأسیس شده بود اما وی ضمن اقدام به نوسازی آن در سال ۷۳ با ضمیمه کردن حدود ۲۵۰ متر از منزل شخصی خود به مسجد، به کسب رضایت از اعضای خانواده پدری مبادرت ورزیده و سپس نام آن را به امیرالمؤمنین(ع) تغییر داد. هم‌اکنون، مسجد امیرالمؤمنین(ع)، یکی از پایگاه‌های اصلی فعالیت‌های فرهنگی در منطقه به‌شمار می‌آید. وی نامه‌نگاری‌های متعددی درباره برقراری بیمه تأمین اجتماعی برای مداحان و شاعران اهل‌بیت(ع)، با رهبر معظم انقلاب کرد که پیگیری‌های بی‌وقفه وی از سال ۸۱ سرانجام با مساعدت و دستور معظم‌له به تأسیس «بنیاد دعبل خُزاعی» منجر شد. همچنین تأسیس خانه مداحان اهل‌بیت(ع) از اقدامات ارزشمند وی است.

خاطره‌ای از استاد آهی

بخشی از خاطرات حاج علی آهی را حمید محمدی در کتاب «پرچمدار ستایشگری» جمع‌آوری کرده است. یکی از این خاطرات را در ادامه می‌خوانید:

حاج علی آهی . که از مبارزان دوران ستمشاهی بوده است . با شنیدن خبر حضور شاه در مکه و الزام دیدار مدیران کاروان با او، تصمیم جالبی می‌گیرد تا در این دیدار حضور نداشته باشد. او دراین‌باره می‌گوید: «در یکی از سال‌ها که به مکه مشرف شدیم، به ما خبر دادند که محمدرضا پهلوی هم به عربستان آمده و قرار است با شاه عربستان در جده دیدار کند. بنده و مدیران برای اجاره منزل به مکه رفته بودیم که این خبر را دادند. تعدادی از مدیران گروه در جده برای شاه ایران تاق‌نصرت زده بودند اما من خودم را به مریضی زدم و در بهداری بستری شدم تا به دیدار آن ملعون نروم. همچنین یازدهم ذیحجه هر سال، یعنی یک روز بعد از عید سعید قربان، باید مدیران کاروان به چادر سفیر ایران و امیرالحاج می‌رفتند. من لباس احرام از تن خارج نمی‌کردم و وقتی مدیران دیگر به من می‌گفتند که بیا نزد سفیر و امیرالحاج برویم، می‌گفتم: با لباس احرام صحیح نیست بنده نزد آقای سفیر و امیرالحاج بیایم. یادم هست بعد از آن همواره برای نرفتن به دیدن سفیر در یازدهم ذیحجه و طاق‌نصرت نزدن برای شاه مورد غضب بعضی از مدیران گروه و سازمان حج آن زمان بودم.»

واقعه

کسی که می‌خواست خواننده معروفی شود

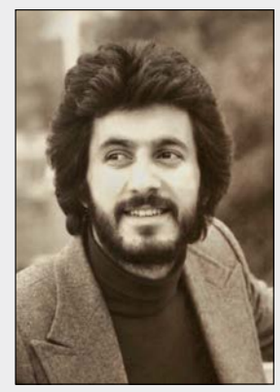

۱۶ فروردین سالروز درگذشت مازیار، خواننده ایرانی است

عبدالرضا کیانی‌نژاد معروف به «مازیار» از معدود خواننده‌های قبل از انقلاب است که بعد از انقلاب نیز قطعاتش در صدا و سیما پخش می‌شود و کماکان مجاز شمرده می‌شوند.

او از سنین پایین به موسیقی علاقه داشت و در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ وقتی یک دانش‌آموز دبیرستانی بود، به دوستانش گفت: «شک نکنید، من یک روز خواننده معروفی خواهم شد.»

او بعدها در یکی از مسابقات هنری دانش‌آموزان که به داوری محمد نوری برگزار شده بود، توانست رتبه نخست را بین دانش‌آموزان سراسر کشور کسب کند.

زنده‌یاد محمد نوری درباره آشنایی‌اش با مازیار گفته بود: «اولین آشنایی من با مازیار، مربوط به زمانی بود که او سن کمی داشت و در مسابقات هنری دانش‌آموزان کشور شرکت کرده بود. در آن دوران، من داور این مسابقات بودم که مازیار از من رتبه بسیار خوبی گرفت. صدای او لطافت‌ها و ظرافت‌هایی داشت که آن را بسیار دوست‌داشتنی می‌کرد.»

به تدریج و تا سال ۱۳۵۷ ترانه‌های مختلفی از مازیار منتشر شد. از جمله این آثار می‌توان به ترانه‌های ماهیگیر و کبوتر او اشاره کرد که با محبوبیت بسیاری روبه‌رو شد و پس از انتشار آنها دیگر همه مازیار را می‌شناختند اما پس از انقلاب اسلامی و انتشار یکی دو قطعه او به طور کلی به حاشیه رفت و تا مدت‌ها خبری از مازیار نبود. از اندک قطعاتی که بعد از انقلاب از مازیار منتشر شد می‌توان به آهنگی به نام «شهید» اشاره کرد که با آهنگسازی بابک بیات برای شهیدان ایران خوانده بود. تعداد آهنگ‌هایی که مازیار خوانده است به ۳۰ ترانه نمی‌رسد و تمام ترانه‌هایش قابل پخش هستند و اکنون که دیگر سوءتفاهم رفع شده تقریبا همه آهنگ‌هایش از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود. این بود حکایت خواننده‌ای که از کودکی رویای ستاره شدن را در سر می‌پرورد و در نهایت نیز به این آرزوی خود رسید. هرچند که مازیار، ستاره‌ای بود که خیلی زود خاموش شد و حتی آلبومی که بعد از انقلاب منتشر کرد نیز در نهایت نتوانست او را به قله‌ها برگرداند. اما هنوز هم که هنوز است قطعه ماهیگیر او ما را به یاد این خواننده خوش‌صدا می‌اندازد.

کاغذ اخبار

آخرین رمان ایشی‌گورو به بازار می‌آید

کتاب «کلارا و خورشید» هشتمین رمان کازوئو ایشی‌گورو و نخستین رمانی است که این نویسنده ژاپنی‌تبار انگلیسی پس از دریافت جایزه نوبل ادبیات منتشر کرده است.

امیرمهدی حقیقت، مترجم کلارا و خورشید درباره این رمان می‌گوید: ایشی‌گورو در این رمان پا به دنیایی در آینده می‌گذارد و با روایت داستان از قول یک ربات می‌کوشد تصویری بسازد از آینده‌ای که در آن انسان‌ها تنهاتر شده‌اند و شهرها آلوده‌تر و از سوی دیگر، هوش مصنوعی رشدی چشمگیر یافته است.

وی ادامه داد: کازوئو ایشی‌گورو -که در رمان قبلی خود، «غول‌مدفون»، با روایتی دن‌کیشوت‌وار، پا به سرزمینی خیالی در افسانه‌های شاه آرتور گذاشته بود- این بار هم برای گفتن حرف خود، پس‌زمینه‌ای نامعمول را برگزیده؛ ولی در عین‌حال، مثل همه آثار دیگرش به سوالات اساسی انسانی می‌پردازد و از جمله به این سوال که: «انسان‌بودن به چه معناست و هوش مصنوعی ما را تا کجا به انسان نزدیک می‌کند؟»

امیرمهدی حقیقت در توضیح سبک نوشتاری این اثر گفت: در کلارا و خورشید هم باز سبک روایت شیرین و سحرآمیز ایشی‌گورو در توصیف اندک‌اندک فضای داستان و آن‌چه در حال وقوع است، تکرار می‌شود. خواننده به‌تدریج و با دیدن نشانه‌هایی جزئی ولی مهم به بزرگ‌ترین حقیقت‌های زندگی شخصیت‌ها پی می‌برد و این کشف همواره لذت‌بخش است.

این رمان را نشر فیبر اند فیبر در انگلستان منتشر کرده و نشر چشمه حق نشر قانونی آن را در ایران خریداری کرده است. امیرمهدی حقیقت پیش‌تر رمان «غول مدفون» را از همین نویسنده ترجمه کرده بود که نامزد جایزه کتاب سال در حوزه ادبیات شد.
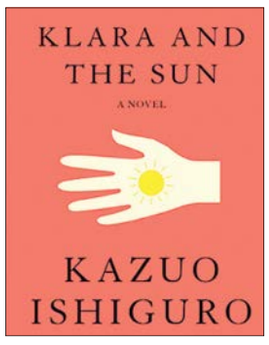
کازوئو ایشی‌گورو تاکنون علاوه بر جایزه نوبل، برنده جوایز ادبی متعددی از جمله بوکر برای رمان «بازمانده روز» شده که نجف دریابندری فقید آن را ترجمه کرد. از دیگر آثار ایشی‌گورو می‌توان به «منظره پریده‌رنگ تپه‌ها»، «هرگز رهایم نکن»، «وقتی یتیم بودیم»، «تسلی ناپذیر» و مجموعه داستان «شبانه‌ها» اشاره کرد.